



نگارش : فاتح سامع

16 می 2021

چپاولگران دیروز با ویرانگران امروز چه تفاوت دارند؟

نگاهی به تاریخ فشرده تیمور لنگ - داستان چپاول، کشتار ویرانی و تجاوز

« منم تیمور جهانگشای » موسوم به تیمور لنگ تاریخ فتوحات ، تصرفات و کشور گشایی های اوست . این کتاب در ۲۷ فصل تنظیم و تدوین شده که بعضی فصول آن دو تا سه بخش دارد. بخش های یک فصل ، واقعه واحد را در یک جنگ، درگیری و تجاوز همزمان امیر تیمور منعکس می سازد.

"منم تیمور جهانگشای " آینه تمام نمای برهه خاص از تاریخ تجاوزات ، عبور و پیشروی از سر زمین ها و یا انقیاد و استسلام نمودن زمامداران در کشور های مورد نظر امیر تیمور است. تیمور داستان چگونگی تسخیر شهر های واقع در آسیای میانه ، فارس ، شام (سوریه) ، حلب ، دمشق ، غور ، اسکندریه (قندهار) عراق ، خراسان (بخشی از افغانستان امروز) ، بزانین

(استانبول) ، روم (ترکیه کنونی) ، تاشکند ، آذربایجان ، کویت ، دهلی ، هندستان را به قلم خود نقل کرده است ؛ نه تنها تیمور بلکه سایر تاریخ نگاران جزیات فتوحات و ماجراجویی های او را تصویر و ترسیم نموده اند . دلیل چگونگی تسخیر و گشایش این همه کشور هاو شهر های با عظمت و مزین با حصارها و کنگره ها و دژ و باره های مستحکم را که یکی پس از دیگری قشون زیر فرماندهی تیمور محاصره و فتح کرده بود، بیان می دارد.

امیر تیمور پس از غلبه بر زمامداران و سلاطین سرزمین های مغلوب زیر عنوان مقررات جنگی به قتل عام مردان ، جوانان و مدافعین امنیت شهرها ، اسیر سازی و کروگان گیری زنان و دختران جوان و غارت اموال و دارایی شهرها می پرداخت . دارایی و ذخایر زر و سیم خزانه دولتی و املاک امیران و مردمان عام را ضبط می کرد. زنان جوان و دختران را به عنوان کنیز و برده جنگی اسیر می گرفت و برای سربازان خود تقسیم می کرد و یا در بازار برده فروشی می فروختند. با این شیوه ظالمانه و استبداد متکبرانه فضای ترس و ارعاب از شنیدن نام تیمور در همه جا مستولی شده بود. عزم و اراده خلل ناپذیر و شجاعت بی بدیل امیر تیمور ، او را در اشغال و الحاق سرزمین های وسیع ، دارای ثروت و قدرت چشمگیر یاری رسانید که به وسیله شمشیر رزمجویان بی رحم و قشون مجهز و مجرب خود پیروز و مظفر گردید و توانست حوزه قلمرو امپراطوری خویش را به وسعت

غیر قابل تصور گسترش بدهد. تیمور بوسیله قشون منظم سوار و پیاده سپر باز ، مردان سلحشور مجرب ، روهنی پوش و نیرومند ، ملبس به جوشن ، محور و خفتان ، قزاگند و پنام ، بر پهنای امپراطوری وسیع خویش افزود که از شرق تا غرب در آسیا و بخشی از اروپای کنونی امتداد یافت.

در جریان کشور گشایی تجارب هنگفت اندوخت که در آرایش رزمی ، آمادگی لازم مقابله با دشمن ، حفاظت قشون ، جمع آوری ذخیره آذوقه ، سور وسات و لوازم جنگی برای ارتش خود تدارک نماید . قبل از یورش بر دشمن برای اسپ ها اصطبل ها بسیار تهیه می کرد ، به اعمار باشگاه های بسیار برای اتراق و استراحت در هنگامی اقامت موقت می پرداخت . فلاخن های سنگین چوبی می ساخت . این تجارب برای تصرف و تملک سر زمین های نو در هنگام رویا رویی و یورش بر دشمن ، قشون تیمور را بیشتر آماده می ساخت و مساعدت می نمود تا در مقابل چالش های جدید از مهارت رزمی و تدارکاتی بهتر استفاده نمایند . بنابراین ، مهارت های او در جریان لشکرکشی بطور چشمگیر ارتقا یافت ، زخم ها برداشت ، با تبر ران اوسخت آسیب دید و به تیمور لنگ از آن پس مسمی گردید . چندین بار زخم های مهلک برداشت اسپ های چابک و گرانبهای خود را با ضرب نیزه و شمشیر دشمن در میدان نبرد، از دست داد اما هرگز از جنگ و پیکار دست نبرداشت . تیمور و سربازان اش در جنگ ها و سفر بری ها اسپ های یدکی یا بیگاری نیز حمل می نمودند و در موقع خستگی و یا جراحت اسپ سوار خود را با آن تعویض می نمودند . در نتیجه تیمور به سردار لشکر منحصر به فرد ، بی بدیل و شکست ناپذیر در تاریخ مبدل و مشهور گردید .

تیمور توانست قوی ترین امیران و سلاطین دوران خود را که از ثروت ، شهرت ، قوت کشوری ، لشکری و مهتری برخوردار بودند ، خلع قدرت نماید. ساحات وسیع سرزمین ها را تصرف نموده و جز قلمرو زیر نفوذ خود در آورد.

موصوف از آوان جوانی با تمرین های مداوم رزمی اسپ سواری ، شمشیر زنی ، فن حربی را به گونه شایسته و بایسته نزد استادان ماهر زمان خود و در میدان های جنگ فراگرفت و تا آخر عمر هم لحظه از آموزش تمرین و ممارست بر ارتقای سطح محاربوی و فن پیکار افراد زیر فرماندهی خود تغافل نه ورزید . در فنون نبرد ، سوق و اداره قشون سردار مجرب ، سرلشکر عکار و متهور استوار گردیده بود . میدان های نبرد را با مهارت غیر قابل تصور با توجه به وضعیت جنگ و کفایت سردار لشکر دشمن را با یگ نگاه می توانست ارزیابی بکند و تدابیر لازم و فوری را برای آرایش جنگی قشون زیر فرماندهی خود اتخاذ و ابلاغ نماید که اکثرا به شکست ، عزیمت و با فرار دشمن منجر می شد.

امیر تیمور ، قبل از مصاف با دشمن اطلاعات کامل از شمار لشکریان ، روحیه رزمی سربازان و افسران ، نوعیت سلاح همان زمان، تعداد سوار و پیاده ، محبوبیت امیر مقابل در اجتماع و دلیری آن در نبرد و مهارت در سوق و اداره ارتش حاصل می کرد . این اطلاعات را از طریق دانشمندان قلمروهای مفتوحه ، ارسال طلایعه و پیش قراول ها ، ایلچی و گروگان گیری سربازان دشمن از طریق شبیخون و استخدام رهنما ها بدست می آورد.

تیمور در میدان جنگ بدون کوچکترین تغییر با هر دو دست خود با سرعت و مهارت بی نظیر شمشیر می زد . او در میدان معرکه از بالای اسپ با اسلحه معمول مانند گرز ، تبر ، شمشیر ، نیزه ، و تیر و کمان نظر به وضعیت و لزوم دید شرایط میدان جنگ بر دشمن یورش می برد و اندکترین هراسی هم از مرگ بدل راه نه می داد.

تیمور خود بارها و همواره در هنگام نگارش تاریخ فتوحات خویش تذکر داده که او هیچگاه از مرگ در میدان نبرد بیم نداشت ، بلکه مرگ در پیکار را از ممیزات دلاوری و افتخار مردانگی یک سلحشور رزمی می پنداشت و مرگ در بستر مانند عوزه بیمار را ننگ می انگاشت . اما با وصف آنهم ، در هنگام سوق و اداره قشون خود با روحیه عالی ، زرنگی و خرد رزمی ، ترصد دایمی ، اطلاعات لازم را از وضعیت دشمن جمع آوری تحلیل و تطبیق می کرد.

تیمور آگاهی لازم پیرامون شرایط اقلیمی و موقعیت اراضی را با مشوره افراد خبیر ، طلیعه ها و استخبارات پیش قراول ها ، کبوتر های پیام رسان ، مردمان محل ، استخدام رهنما ها قبل از آغاز حمله بدست می آورد . امیر تیمور با وجود غلبه بر دشمن تا تسلط کامل بر اوضاع و تحکیم مواضع خود در تمام اماکن و قلمرو های تازه فتح شده از اتخاذ تدابیر لازم به خاطر جلوگیری از بروز حوادث غیر مترقبه ، لحظه فرو گذاشت نه می کرد ، بلکه همواره پیش بین احتمالی حوادث بود که ممکن با برهم خوردن ناگهانی امنیت، شبیخون و دسایس دشمن شکل بگیرد . او محتاط بود که مبادا از طرف امیران مخلوع و وابستگان شان ، اتحاد و ائتلاف ها با متنفذین همجوار حرکات و اقدامات جدید برای مقابله با قشون او سازمان داده شود.

تیمور در جنگ ها عقیده داشت که نباید جنگجویان او بی ثمر و بدون پیامد مثبت تلف شوند ، بلکه سعی می نمود تا با کمترین تلفات بزرگترین خسارات را بر دشمن در میدان معرکه وارد بسازد . گرچه در بسا موارد این آرزوی وی بر آورده نه می شد. تهور او توام با فطانت و تدابیر رزمی لازم ، او را بر هر حریف نیرومند پیروز می ساخت و هیچ رقیبی در مقابل او تاب پایداری نداشت ، بلکه به زودی از پا در می آمد ، تسلیم ، مجروح و یا مقتول می گردید.

تیمور همواره پس از مشوره با شورای نظامی و استفاده از فنون جنگی قشون زیر فرماندهی خود را در قلب ، جناح های راست و چپ دشمن آرایش می داد و خود همیشه در خط مقدم جبه موضع می گرفت که بر افزایش روحیه رزمی و خاطر جمعی سربازان او تاثیر بسزای داشت. در هنگام حمله ، سواران خود را در مرکز ، سمت راست و جناح چپ سربازان دشمن آرایش می داد و با پیشروی در قلب دشمن نیروهای سمت راست و چپ قوای خود را در دوطرف قشون مهاجم به سرعت سوق می داد تا در محاصره بیاندازد و نیرو های امدادی عقب قوای دشمن را در خارج خط نبرد در حیطة محاصره قرار می داد . گرچه این شیوه غلبه بر دشمن همیشه میسر نبود اما تلاش در تحقق آن در همه نبرد ها هویدا بود.

قشون او پس از محاصره قلعه های مستحکم سلاطین و زمامداران با وجود دشواری های فراوان مقابله سر انجام بر دشمن چیره می شد.

در لابلای گزارش فتوحات تیمور ، نکات جالب ادبی ، رزمی، باوری ، مباحثه قرآنی ، تصوفی و اسلامی از زبان او نقل شده است . اما به صحت جزییات در بیانات مندرج تاریخ جهانگشای تیمور نه می نتوان اعتماد کرد و در بسا موارد مبالغه آمیز ، تخیلی ، اسطور ای و جالب سازی شده است.

شنیدن کتاب صوتی « منم تیمور جهانگشای » بیشتر از سی و پنج ساعت را در بر می گیرد و شنونده را با گوشه های از رمز و راز رزم و پیکار او در میدان جنگ و صف آرای قشون سایر کشور کشایان باستان از زبان تیمور آشنا می سازد.

تیمور از آوان کودکی انسان هوشیار و تیز هوش ، دارای حافظه قوی و نیروی جسمی منحصر به فرد بود که در تاریخ کمتر نظیر دارد . در سن کودکی قرآن مجید را حفظ کرد و از زبان خودش روایت می شود که می توانست از آخر آیات قراعت آنرا شروع بکند و به اول آیه به پایان برساند ،

این مهارت او بسیاری از علمای اسلامی و حافظان قرآن به شمول حافظ شیرازی را عاجز ساخت ، با وجودیکه حافظ شیرازی قرآن را با چهارده روایت (گویش ولهجه های محلی عربی) قراعت می کرد ، اما در هنگام مباحثه با تیمور اعتراف کرد که از آخر آیه به طرف آغاز قرآن را قراعت نه می تواند. در حالیکه بر استناد برخی روایات اصلا ملاقات تیمور با حافظ صورت نگرفته است . ادعای قراعت قرآن از انحام با آغاز آیت به نظر نگارنده گرافه گویی و خود سنایی بیش نه می نماید.

تیمور فنون جنگی و اسب سواری را با مهارت کامل آموخت . او در حفاظت اسب ها ، تجدید و نیروی آنها در هنگام مصاف با دشمن با نظر داشت ، تغییرات اقلیمی ، سردی و گرمی تجربه کافی کسب کرده بود تا در مورد فعالیت های مربوط به تغذیه ، تهیه سر پناه در خط اول جبهه جنگ و نیروهای ذخیره عقب جبهه به سرداران زیر فرماندهی خود مشوره فنی بدهد.

عبور قشون هفتاد تا ۱۲۰ هزار نفری سواره نظام را از میان بیابان ها وسیع ، قله کوهستان ها ، سر نشیبی جلگه ها چقر و مسطح ، دره ها پر پیچ و خم و تنگنا های کوهستان های شامخ ، باتلاق های مخوف ، جنگلزار های انبوه و مملواز وحوش و حیوانات درنده رهبری می کرد.

همچنان در هنگام مهاجرت رمه گاو ها وفیل های وحشی که در مسیر عبور قشون او قرار می گرفتند و خطرات زیاد را متوجه سربازان اش می ساختند دفع می کرد . همچنان در جریان لشکر کشی تیمور با هجوم ملخ های مهاجر بر کشتزار ها، ریزش باران های شدید موسم برسات ، سرازیر شدن سیلاب ها ناگهانی پس از ریزش باران های شدید ، صدای رعد و برق و صایقه دلخراش و تکانهنده مواجه شده بود ، اما با تدبیر توانست از آن تهدید ها به مثابه سر لشکر مدبر ، قشون زیر فرمان خود را با نظم و نسق ، آراستگی و استواری لازم مدیریت کند و از ورطه هلاکت و تهدید حتمی برهاند.

تیمور از غذای معمول سربازان خود تناول می نمود. پسران خود را در جبهات خط مقدم نبرد می گماشت و با سایر افسران و سربازان با ایشان یکسان بر خورد می کرد . نظم و مقررات نظامی را جدی می گرفت ، سربازان و افسران که در میدان جنگ عمدا تغلل و کاهلی از خود تبارز می دادند و باعث شکست ، گریز ، عزیمت و تضعیف روحیه رزمی قشون او می شدند به اشد مجازات و قتل محکوم می نمود.

چگونه قلعه ها و برج های استوار شهر را تسخیر می کرد به خصوص در هنگامی که دروازه های وردی شهر را مسدود می ساختند ؟

قلعه ها را محاصره می نمود ، در های ورودی زیرزمینی قلعه را در مسافتات دور تر کشف و افراد را برای نظارت آن موظف می ساخت ، منبع آب آنرا قطع می کرد . اعلان میکرد که تسلیم شوند تا مصون بمانند در غیر آن قتل عام می شوند . در هنگام محاصره ، ذهن محافظین قلعه را با انداختن فلاخن و پرتاب تیر منحرف می ساخت . راهی زیر زمینی را از دور تا زیر قاعده تهداب دیوار نقب می زد و در چندین جای تهداب ، حفره ها را می کاوید ، و در آن ها انبار باروت و فتیله را تعبیه می کرد . با انفجار باروت حصار می غلطید و صدای مهیب آن در میان ساکنین ومدافعین شهر سراسیمگی ، هراس و وحشت زیاد ایجاد می کرد ، راه گذر و عبور برای سربازان مهاجم تیمور به داخل شهر گشوده می شد . پس از مقابله و محاصره سر انجام شهر تسلیم می شد . محاصره و برخورد در داخل حصار اکثرا به نفع قشون امیر تیمور پایان می یافت.

تیمور هنگام رویارویی با قشون دشمن ایکه از سلاح ها و فنون جدید علیه او استفاده می کردند و امکان شکست او متصور بود به زودی راه و چاره برای خنثی کردن آن جستجو می کرد ، به عنوان مثال در جنگ دمشق اولین بار با عراده های چهار اسپه که با داس های برنده مجهز بود مواجه شد

که در میدان مسطح با سرعت تمام بر قشون تیمور یورش می بردند هر سرباز و یا مقاومت گر که در مقابل آن قرار می گرفت مانند علف درو می شد . در این موقع تیمور سربازان خود را به عقب نشینی امر کرد . پس از تفکر و مشوره برای دفع از عراده های جنگی دریافت که از کوزه های پر از باروت برای ایجاد توحش سربازان و اسپ های محرک توسط فلاخن استفاده نماید . همچنان با انداختن قلاب و نصب زنجیر و میخ طویل در مسیر حمله ، توانست تا سرعت حرکت عراده های دشمن را بطی نمایند، در حالیکه قبل از آن از انفجار باروت تنها در تخریب حصار ها و قلعه های مستحکم بالای تپه ها و یا بلندی های شهر استفاده می کردند ، با اکتساب این تجربه وقتی در جنگ روم با عراده ها امیر بایزید ایلدروم مواجه شد ، توانست او را شکست بدهد و عراده های او را نابود بسازد ، شصت هزار از سربازانش را اسیر و بایزید را دستگیر و خزانه و اموال و دارایی روم را در زیر تصرف خود در آورد.

بایزید را تا هنگام عمر اسیر ساخت. او را به پذیرش دو شرط به قتل نرسانید . بایزید را پرسید چرا تسلیم نشدی و با من جنگیدی ؟ نه دانستی با تیمور پنجه انداختن اشتباه است ؟ حکمرانان من مزاحم کسی نه می شوند اگر مقاومتگران تسلیم من شوند و مقاومت نکند . در غیر آن مقررات جنگی بر آنها تطبیق می شود ، یعنی پس از شکست ؛ مردم قتل عام می گردند دارایی و خزانه مغلوب مصادره و چپاول می شود و زنان و دختران شان اسیر برده و کنیز می گردند.

بایزید پاسخ داد : شما به کشور من تجاوز کردید و من وظیفه داشتم از مردم و سلطنت خود دفاع نمایم . اگر شما به جای من می بودید و بالای تان تعرض می شد چه می کردید؟ گردش چرخ فلک طوری شد که من شکست بخورم ، در شان آوازه بلند امیر تیمور نباشد که با من اسیر بد رفتاری بکنید.

بایزید تا آخر عمر در اسارت به سر بردوبه اجازه امیر تیمور پس از وفات در کورستان اجدادش دفن گردید . تیمور پسرش را به خواهش بایزید و اطاعت تام از او به قدرت رسانید تا نشان سلسله آل عثمان بکلی محو و خلع ید از قدرت نشوند.

تیمور دلیل ایستادگی و مقاومت بایزید را مؤجه دانست و عذر او را پذیرفت. او را حق به جانب دانست و از قتل او به دو شرط در گذشت.

اول خزانه خود را به او تسلیم کند.

دوم تیمور را در تسخیر بزانترین که بطرف غرب روم موقعیت داشت یاری رساند . بایزید پذیرفت، اما خاطر نشان ساخت:

«فتح بزانترین که از سه طرف توسط دریای عمیق به عرض حدود بیش از هفت صد زرع محاط است بدون کشتی های بزرگ عبور قشون از رودخانه ناممکن است .» تیمور می دانست که بزانترین ثروت هنگفت زرو سیم و جواهرت گران بها دارد که در مدت بیشتر از یکنیم هزار سال از سراسر جهان در آن جمع و ذخیره شده است . هر صومعه و کلیسا که تعداد آن ها به مقدار یک صد خروار از کاس و قبه و منبر ذخیره دارد و هم خرانه در داخل و با حتی دورتر از محوطه کلیسا ها دفن می باشند .

«جمعیت بزانترین را دو گروه می سازد. اشراف و برده ها ، اشراف از چندین نسل در قدرت بودند به جز عیاشی و لهو و لعب و باده نوشی وزن بارگی کاری دیگر نداشتند، با نوشیدن شراب و زنان خوش منظر به حدی بیکاره و تنبل شده اند که دست و روی خود را هم نمی شویند و برده ها برای

شان انجام می دهند . پسر هر برده در آینده برده و دختر هر کنیز شغل کنیزی را در چندین نسل متواتر نصیب می شوند . برده ها شغل پاک کردن و تطهیر خوانین را به عهده دارند.»

"پس فتح بزانتین کار دشوار نیست وزمانی که بتوانیم از دریای بگزیم تصرف بزانتین ساده است . برده ها اگر بفهمند که از بردگی آزاد می گردند هر گز از اشراف و مالکین دفاع نه می کنند." تیمور پرسید؟

اما با یزید ایلدروم گفت، " اشراف بزانتین پول و ثروت زیاد دارند و برای دفاع خود سه قشون خارجی از سربازان سویتی ، از کشور های همجوار استخدام کرده اند که سربازان دلیر و جنگجویی باشند . نیروهای اجیر و نیابتی از مردم تاتار ها ، امیر ساری و یا سارو خان ونخنیسیه می باشند.

با یزید ایلدروم افزود : **سلطنت بزانتین دوستون دارد ، آتش که با آب خاموش نه می شود و زنجیر که مانع عبور کشتی ها می شود .** راز «آتش خاموش ناشدنی» را در ۱۲۰۰ سال نهفته مانده است و فورمول آن را ، فقط به سلاطین بزانتین بطور میراثی وانمود ساخت که تا کنون هیچ کشور کشایی به فتح آن توفیق نیافته است.

تیمور در مورد رفت و آمد کشتی ها ، اعمار کشتی ها ، نوعیت مواد و چوب برای ساختن کشتی ها از بایزید اطلاعات لازم بدست آورد و دریافت که کشور فرنگ (فرانسه) و مصر با بزانتین روابط بازرگانی دارند و کشتی های آن دو کشور در سواحل آن رفت و آمد و داد و ستد می نمایند. از اسقف کتله کوز (کاتیلو کوز ، کاتولیک) شهر سلطانیه که اکنون به تصرف تیمور در آمده بود کمک خواست ، تا نامه عنوانی شارل ششم (شال) پادشاه فرانک به زبان فرانسوی بنویسد و نامه را با هدایا ، سوغات و تحایف گران بها به او تسلیم بکند . شارل ششم تقاضای تیمور را با ارسال سوغات های قیمت بها از جنس ماغوت تکه های ابریشمی و ظروف چینی استقبال کرد و روابط تجارتهی میان طرفین ، تیمور و شارل ، شکل گرفت . تیمور از قلمرو خود مس و شارل کشتی ها بزرگ به ظرفیت قدرت حمل پنصد نفری به تعداد پنجد صد فروند کشتی با ناخدا در اختیار تیمور برای عبور قشون او از دریا جهت تسخیر بزانتین موافقت کرد . چند کشتی برایش فرستاد که طور آزمایشی از کنار مدخل تنگه بزانتین می گذشتند که از طرف کشتی های گز مه سلطان بزانتین با پرتاب آتش خاموش ناشدنی، کشتی تیمور و وسر نشان آن حریق گرفتند و سوختند.

این حادثه هنگامی اتفاق افتاد که امیر تیمور با بایزید ایلدروم از بالای تپه جناح شرقی بزانتین در آنطرف رود خانه در قلمرو روم از دور شهر بزانتین را نظاره می کردند و تیمور در مورد راز آتش خاموش ناشدنی ، ثروت کلیسا های نصرانی ، درخشش قبه های طلایی ، علل تسخیر نا پذیری شهر به امیر تیمور معلومات می داد. امیر تیمور در جریان صحبت علت شکست معاویه ، موسس سلسله خاندان اموی را که پس از دو سال محاصره نتوانست شهر بزانتین را فتح کند ، آتش خاموش ناشدنی وانمود ساخت و به آرزوی خود که می خواست آنرا به مرکز خلافت اسلامی مبدل سازد ، توفیق نیافت و سر انجام از محاصره شهر دست کشید . اما بایزید از تاریخ داستان محاصره معاویه اظهار بی اطلاعی نمود. تیمور چند روز بعد ، راز " آتش خاموش ناشدنی " را دریافت و آنرا از نوع آتش های آتش فشانی دانست که در سرزمین های زیر قلمرو خود مشاهده کرده بود و به خاطر آورد که این گونه آتش از منافذ نزدیک آتش های بزرگ زیر زمینی بیرون می جهد و با پرتاب خاک می توان آنرا خاموش ساخت . با کشف این اسرار دوا اتفاق ناکهانی در زندگی امیر تیمور رخ داد.

اول - در رویا دید که در میدان جنگ با ضرب گرز دشمن در فرق اش به زمین می افتد ، بیهوش می شود و توسط سر بازان قشون خود داخل خیمه انتقال می یابد و پژسک پس از معاینه در گوشش می گوید.

" سخته مغزی کردی بیش از سه سال عمر نداری." این موضوع قبلا برایش توسط روحانی برهن در هندستان گفته شده بود که از عمر او هفت سال باقی مانده است و در بستر مریضی جان می دهد . این رویا را در کنار دیوار چین دید و برایش گفته شد این دیوار تسخیر ناپذیر است . اما تیمور استدلال می نمود که در مقابل حصار دهلی و سه قلعه مستحکم که در راه عبور بطرف دهلی اعمار شده است به نام های میر داد، تلوار و حنبله نام داشتند ، فایق آمد و حصار دمشق را گشود ، پس دیوار چین جلو او را گرفته نه می تواند و به آسانی بدست سربازانش گشوده می شود.

دوم - یکی از امیران به نام توکل با امیر آذر بایجان بر ضد تیمور متحد شده بود . این اتحاد ، تیمور را وادار ساخت تا از حمله به بزاننین با وجود آمادگی لازم صرف و نظر کرده و آهنگ آذر بایجان نماید زیرا در صورت تغافل با ائتلاف توکل و سلطان آذربایجان نیروی عظیم را در مقابل خود می دید که شیرازه امپراطوری او را به خطر مواجه می ساخت . راه بازگشت او را به سمرقند پس از انسداد راه عراق دشوار می ساخت و راه بازگشت تیمور را برای دفاع و مقابله به تهدید جدی مواجه می گردانید

ادامه دارد...